



Analyzing America's political-security influence in Iran as chaotic and quantum phenomena

12

Vol. 3
Winter 2024

Pezhman Norouzi¹ | Ali Hamzeh Pour² | Ayoob Pourqayoumi³ |
Mohammad Reza Hedayati⁴ | Mehdi Firouzkouhi⁵

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.3.4.3.0

Research Paper

Received:
09 April 2024
Revised:
13 September 2024
Accepted:
14 September 2024
Published:
14 September 2024
P.P: 11-37

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Abstract

This research pursues two main objectives. In the first part, by examining the political-security influence of the U.S. during its first three generations in the Islamic Republic of Iran, it concludes that these three generations of political-security influence were respectively shaped by the approaches of realism, liberalism, and constructivism, and despite the complexity of the methods, they remain within the Newtonian realm and simple systems. However, the emergence of quantum physics and its impact on social sciences led to the fourth or quantum generation, where the U.S. political-security influence in the Islamic Republic of Iran took on a realist-constructivist-liberal approach, whose dominant characteristics include "superposition," "instability," "chaotic and systemic complexity," and "holism." The quantum nature of this model has caused everything to depend on everything else, creating a significant methodological dilemma in understanding it. In the second part of the research, using Alexander Wendt's quantum mind theory, the process of shaping the mentality of Iranian elites in accepting the JCPOA is examined as an example of the U.S.'s political-security influence in the Islamic Republic of Iran, which has had numerous political-security consequences for Iran up until today. To examine the subject under study, the descriptive-analytical approach was adopted, and the method used for data and information collection was library-based. The main documents analyzed in the second part of the research were American publications during the time frame of the nuclear negotiations leading up to the signing of the JCPOA.

Keywords: Political-Security Influence, U.S., Islamic Republic of Iran, Quantum Mind, JCPOA.

1. Corresponding Author: Corresponding author: PhD student of regional studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. miladpahlavan75@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
5. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Cite this Paper: Norouzi' P , Hamzeh Pour' A, Pourqayoumi'A, Hedayati'M & Firouzkouhi'M. Analyzing America's political-security influence in Iran as chaotic and quantum phenomena. American strategic studies, 12(4), 11–37.

Publisher: Imam Hossein University "Authors Retain The Copyright"

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License(CCBY 4.0)





واکاوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران به مثابه پدیده‌ای آشوبناک و کوانتومی

۱۲

سال سوم
زمستان ۱۴۰۲

پژمان نوروزی^۱ | علی حمزه پور^۲ | ایوب پورقیومی^۳ | محمدرضا هدایتی^۴ | مهدی فیروزکوهی^۵

DOR:20.1001.1.28210247.1403.3.4.3.0

چکیده

این پژوهش دو هدف عمده را دنبال کرده است؛ در قسمت اول، با بررسی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در سه نسل اول آن در جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده که این سه نسل از نفوذ سیاسی - امنیتی به ترتیب تحت تأثیر رویکردهای واقع گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری قرار داشته و حتی با وجود پیچیدگی روش‌ها، در ساحت نیوتن و سیستم‌های ساده قرار می‌گیرند. اما ظهور فیزیک کوانتوم و تأثیر آن بر علوم اجتماعی باعث شد در نسل چهارم یا کوانتوم، نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران، رویکرد لیبرالیسم سازه‌انگارانه واقع‌گرا پیدا کند که ویژگی‌های غالب آن «آبرجایی‌گرایی»، «ناپابرجایی»، «آشوبناک و پیچیدگی سیستمی» و «کل‌گرایی» است و خاصیت کوانتوم باعث شده در این الگو هر چیزی بستگی به هر چیز دیگر داشته باشد و شناخت آن را دچار معضل روش‌شناختی دشواری کند. در قسمت دوم پژوهش نیز با استفاده از نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت به نحوه شکل‌دهی به ذهنیت نخبگان ایرانی در پذیرش برجام به عنوان مصداقی از نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران پرداخته شده است که تبعات سیاسی - امنیتی فراوانی تا امروز هنوز برای ایران داشته است. برای بررسی موضوع مورد مطالعه با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی از روش مطالعه اسنادی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز نیز کتابخانه‌ای بوده است. اسناد اصلی تحلیل در قسمت دوم تحقیق نیز نشریات آمریکایی در بازه زمانی مذاکرات هسته‌ای تا امضای برجام بوده است.

کلیدواژه‌ها: نفوذ سیاسی - امنیتی، آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، ذهن کوانتومی، برجام.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴
صص: ۳۷-۱۱

شماره چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷
الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
۵. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

استناد: نوروزی، پژمان؛ حمزه پور، علی؛ پورقیومی، ایوب؛ هدایتی، محمدرضا؛ فیروزکوهی، مهدی. واکاوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران به مثابه پدیده‌ای آشوبناک و کوانتومی، ۳(۱۲)، ۳۷-۱۱.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) «حق چاپ برای نویسندگان محفوظ است».

این مجله تحت مجوز (CC BY 4.0) Creative Commons Attribution 4.0 International منتشر می‌شود.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که حکومت‌ها از دیرباز با آن مواجه هستند، نفوذ است. تأملات مربوط به نفوذ مانند سایر پدیده‌ها گسترش پیدا کرده و با گذشت زمان دچار تغییرات معنایی شده است و تغییر چهره و ویژگی داده است. در ایام معاصر رویکردهای جدیدی از نفوذ به وجود آمده است که قابلیت مطالعه و پژوهش دارند. در این میان می‌توان یکی از مهم‌ترین انواع نفوذ آمریکا در ج.ا.ایران که به نوعی در برگیرنده بسیاری از ویژگی‌های نفوذهای دیگر است؛ نفوذ سیاسی - امنیتی معرفی کرد. نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران پدیده‌ای بافتارمند است که از راهبردهای نوین در دنیای کوانتوم پیروی می‌کند که قابلیت پردازش بالایی دارد و جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از اهداف اصلی در به کارگیری انواع الگوهای نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا بوده و هست. ایالات متحده برای تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی خود در ج.ا.ایران و رسیدن به اهداف خود در این حوزه از شیوه، شگرد و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند که روز به روز در حال پیچیده‌تر شدن هستند و شناخت چستی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران به مثابه پدیده‌ای آشوبناک و کوانتومی می‌تواند کمک شایانی به افزایش توانایی برای مقابله با آن باشد.

شناخت محیط کوانتومی یکی از مهم‌ترین قدم‌ها برای ادراک منطق علوم سیاسی پست‌مدرنی و مخصوصاً پدیدارشناسی پدیده‌ها و مفاهیمی از جمله الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا است و می‌توان به طور صریح بیان کرد، برای خلق و تفسیر آینده جهان، شناخت قواعد کوانتومی حاکم بر آن از اهمیت زیادی برخوردار است. درست است که پست‌مدرنیسم نیز تا حدودی با رویکرد مشابهی به این پدیده‌ها می‌تواند بنگرد؛ ولی هیچ رویکرد و نگرش جدیدی را ارائه نمی‌کند، اما این پژوهش با ارائه نگرشی جدید مبنی بر نظریه کوانتوم و ویژگی‌های آن مانند «پیچیدگی و آشوب سیستمی»^۱، «ناپابرجایی»^۲، غیرجایگزیدگی یا «ابرجایگزیدگی»^۳ و... به عنوان جایگزینی برای خوانش نو ارائه خواهد کرد.

استقلال و نبود درهم تنیدگی در دانش از ویژگی‌های دوره ابتدایی آن بوده است و دانش به مثابه یک رشته^۴ محسوب می‌شده است. اما به وجود آمدن انواع و اقسام مسائل علمی و اجتماعی باعث آغاز

1. Complex system
2. Uncertainty
3. Superposition
4 Discipline

تداخلات مرزی و بروز ازهم گسیختگی مرزهای دانش شده است (Dennis, 2020: 1). این تغییرات منجر به ایجاد و ساحت‌های جدیدی در علم با عناوینی مانند میان‌رشته‌ای^۱ و چند رشته‌ای^۲ (راجی و گوهری مقدم، ۱۴۰۱: ۸۷) و حتی می‌توان گفت فرا رشته‌ای^۳ شده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۶). در واقع می‌توان گفت گذار از علوم چند رشته‌ای به فرا رشته‌ای شدن، هم‌زمان با غلبه و سلطه فیزیک کوانتومی بر فیزیک نیوتنی بوده است که این اتفاق نیز تحت تأثیر شبکه‌ای شدن محیط جوامع و پیچیده بودن توضیح پدیده‌های جدید و فرآیندهای برهم‌کنش^۴ آن‌ها داشته است. در واقع فرا رشته‌ای بودن نظریه کوانتوم و ماندگاری طولانی آن در فیزیک، باعث شده اکنون این نظریه و نگاه جدید توسط دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی مانند الکساندر ونت^۵، لورنز^۶، بکلر^۷، اسلتین^۸ و... با تأثیرپذیری که از فیزیک کوانتومی و یافته‌های فیزیکدانان مطرحی مانند انیشتین، پلانک، هایزنبرگ، شرودینگر، نویمان و دریک داشته‌اند؛ تلاشی مضاعفی برای وارد کردن این مفاهیم به حوزه‌های تخصص خود داشته باشند (Derian & Wendt, 2020: 42). الکساندر ونت معتقد است نظریه کوانتومی می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر علوم سیاسی داشته باشد و این تأثیرات می‌تواند طیف گسترده‌ای از فناوری کوانتومی، تحلیل داده، جنگ و صلح، تئوری‌های تصمیم‌گیری، دیپلماسی، گفتمان و... شامل شود (راجی و گوهری مقدم، ۱۴۰۱: ۹۰). در گذشته، الگوهای غلبه ایالات متحده بر دشمنان خود از جمله الگوهایی مانند جنگ ترکیبی یا نفوذ سیاسی-امنیتی بر اساس روش‌های کلاسیک و متناسب با فیزیک نیوتنی و با فرض ثبات و نظم در این الگوها، توانایی مطالعه، توصیف و ارائه راهبرد برای مقابله با آن‌ها وجود داشت؛ اما در حال حاضر این گونه الگوها مبتنی بر سیستم‌های پیچیده در ساحت‌های کوانتومی طراحی می‌شود که نمی‌توان به آسانی از طریق روش‌های کلاسیک به تبیین آن‌ها پرداخت. بنابراین، این الگوها که اکثراً دارای صحنه‌های پرتلاطم و متغیر هستند؛ تبیین آن‌ها بر اساس نظریه کوانتومی می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد. مبتنی بر همین روند سیر تحول علوم و لزوم اشاعه این گونه نظریات

1. Interdisciplinary
2. Multidisciplinary
3. Transdisciplinary
4. Interaction
5. Alexander Wendt
6. Lorenz
7. Becquerel
8. Slatin

به حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل برای تبیین پدیده‌ها (Wendt, 2024)، به‌ویژه تبیین الگوهای غلبه آمریکا بر دشمنان خود، مانند الگوی مهار ترکیبی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا (راجی، ۱۴۰۲)، یا الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در کشورهایی مانند ج.ا.ایران که به علت کوانتومی شدن محیط و اشاعه و نشأت این گونه نظریات در روابط بین‌الملل، دچار تطور شده است.

در واقع، در این پژوهش دو هدف اساسی دنبال خواهد شد که در قسمت اول مقاله سعی می‌شود با استفاده از مفاهیم و ویژگی‌های نظریه کوانتوم در دنیای امروز به بازشناسی الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا بر چارچوب‌های این نظریه پرداخته شود در گام بعدی، با اتکا بر این فرض که تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان در جامعه تحت تأثیر عوامل ذهنی و روانی نیز قرار دارند، به بررسی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ایران پرداخته می‌شود. از منظر برخی نظریه‌های کوانتومی ذهن، مانند نظریه الکساندر ونت، ذهن طبق قوانین و اصول فیزیک کوانتوم عمل می‌کند. بنابراین ممکن است بتوان الگوهای رفتاری و تصمیم‌گیری‌های نخبگان ایرانی را با استفاده از مفاهیم کوانتومی و به‌ویژه نظریه ذهن کوانتومی ونت تبیین کرد. با این حال، باید توجه داشت که این رویکرد هنوز در مراحل ابتدایی پژوهش قرار دارد و عوامل متعدد دیگری نیز بر این فرایند مؤثرند. در نهایت به عنوان مطالعه موردی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با فکت‌هایی که نظریه ذهن کوانتومی ونت در رابطه با موضوع می‌دهد مورد بررسی قرار داده می‌شود.

۱- پیشینه پژوهش

بیشتر آثار انجام شده در این حوزه به‌نوعی به موضوع این پژوهش مربوط می‌شوند اما غالب این آثار، نفوذ را از منظری کلی و با کاربری آن به عنوان سیستمی ساده در محیط نیوتنی بررسی کرده‌اند. از آن رو با توجه به این که این پژوهش نفوذ سیاسی - امنیتی ایالات متحده در جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان سیستمی پیچیده در ساحت محیط کوانتومی در نظر گرفته است و برای تبیین موضوع از فراخواندن نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت بهره برده است، از نوآوری در بُعد موضوع و رویکرد برخوردار است.

۱-۱- مطالعات مربوط به نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا

پژوهشی که به صورت مستقل به نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران پرداخته باشد تاکنون انجام نشده اما برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این تحقیق شامل: عرفانی (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «طرح راهبردی مقابله با نفوذ علمی دشمن در ج.ا.ایران» به کشف مهم‌ترین اشکال نفوذ علمی در ابعاد شناختی و مهارتی پرداخته است. که این اشکال شامل نفوذ اندیشه‌ای و رفتاری، نفوذ نهادی، ساختاری و زمینه‌ای در کشورهای هدف، این اشکال مختلف در قالب شیوه‌های متنوعی در کشورهای هدف توسط غرب و آمریکا انجام می‌شود.

حیبی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «فهم ساختاری نفوذ فرهنگی نظام سلطه در نظام‌های سلطه ستیز» به بررسی ماهیت ساختار نفوذ فرهنگی و ویژگی‌های ساختاری آن شامل ساختار کارکردی، ساختار هنجاری و ساختار فرایندی پرداخته شده است نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نظام سلطه بر اساس ساختار منعطف، پیچیده، چندوجهی و گسترده‌ای نفوذ فرهنگی، طی سه فرایند تغییر در فضای نگرشی، تغییر از نظر به عمل و تغییر در فضای عینی مجبور به استفاده از الگوهای خاص نفوذ فرهنگی به صورت در هم تنیده و هدفمند، شامل جنگ اعتقادی، اندلسی سازی، از خود بیگانگی فرهنگی، جنگ حقوق بشری، تغییر سبک زندگی و الگوی غربی جامعه مدنی، با هدف تغییر در ارزش‌ها، باورها، هنجارها، ترویج فرهنگ غربی و در نهایت استحاله نظام‌های سلطه ستیز می‌باشد.

رحیمی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «طرح راهبردی مقابله با نفوذ آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آرای مقام معظم رهبری^(مدظله العالی)»، بر اساس یافته‌های این تحقیق، در نگاه امام خامنه‌ای پنج حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی بیشترین تأثیر گذاری را در خصوص نفوذ دارند؛ که نفوذ فرهنگی ابعاد خطرناکی و پیچیده‌تری دارد. بیانات امام خامنه‌ای در مورد خطرهای نفوذ دو رویکرد عمده دارد؛ که رویکرد اول، لزوم مقابله با عناصر نفوذی و شناسایی این افراد و رویکرد دوم، مقابله گفتمانی و به شکست کشاندن ایده اصلی نفوذ قرار دارد. علی ایحال، در این راستا پس از تحلیل محتوا و استخراج کدهای باز داده‌ها در نرم‌افزار مربوطه تحلیل و کدهای محوری استخراج شده و با تعداد ۱۰ نفر از خبرگان در جلسات مختلف مورد تحلیل قرار گرفته و مشابهت و کدهای همسان حذف و ۱۷۶ کد به عنوان مبنای پژوهش انتخاب

شده است که پس از نهایی شدن شاخص‌ها، پرسشنامه مربوط تعیین و داده‌های حاصل از آن مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱-۲- مطالعات مربوط به نظریه کوانتوم

راجی و گوهری مقدم (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «چارچوب علوم سیاسی مبتنی بر رویکرد کوانتوم» به دنبال آن بوده‌اند با نقد بر چارچوب نیوتنی علوم سیاسی به تبیین چارچوب علوم سیاسی مبتنی بر ساحت کوانتومی بپردازند. یافته‌های تحقیق بر این اشاره دارد که علوم سیاسی مبتنی بر رویکرد کوانتومی با برون آمدن از ساختارهای پیشینی و خطی نیوتنی در حوزه مسائل دانش سیاست، دانش سیاسی و ابزارهای سیاسی دچار تغییرات مهم شده و به قدرت به مثابه یک بازی کوانتومی و روایت گونه می‌نگرد که از پویایی زمان و رویکرد شبکه‌ای برخوردار است.

محمودی کیا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست کوانتومی: کاربست نظریه کوانتوم در تحلیل پدیده‌های سیاست بین‌الملل» این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که الگوی سیاست کوانتوم از چه ویژگی‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برخوردار است چگونه می‌تواند برای تبیین پدیده‌های سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد.

ونت (۲۰۱۵) در کتابی تحت عنوان «quantum mind and social science» به دنبال آن بوده است از طریق اجماع سازی بین هستی‌شناسی فیزیک کوانتوم و علوم اجتماعی به تلفیق آن‌ها بپردازد. با توجه به این موضوع که ونت در این کتاب تماماً در حوزه فلسفی قلم زده است و به حوزه روابط بین‌الملل و موضوعات آن بر خلاف کتاب قبلی خود وارد نشده است، اما چارچوب نوینی جهت تفکر و تحلیل از منظر تئوری کوانتوم ارائه کرده است.

بیشتر آثار انجام شده در این حوزه به نوعی به موضوع این پژوهش مربوط می‌شوند اما غالب این آثار، نفوذ را از منظری کلی و با کاربست آن به عنوان سیستمی ساده در محیط نیوتنی بررسی کرده‌اند. از آن رو با توجه به این که این پژوهش نفوذ سیاسی - امنیتی ایالات متحده در جمهوری اسلامی ایران را به عنوان سیستمی پیچیده در ساحت محیط کوانتومی در نظر گرفته است و برای

تبیین موضوع از فراخواندن نظریه ذهن کوانتومی ونت بهره برده است، از نوآوری در بُعد موضوع و رویکرد برخوردار است.

۲- روش‌شناسی پژوهش

با وجود آن‌که الکساندر ونت، نظریه «ذهن کوانتومی» را در حوزه فلسفی مطرح کرده است و هنوز این نظریه وارد روابط بین‌الملل نشده است؛ اما به علت رویکرد فرانتوری و نقادانه‌ای که دارد می‌توان با اشاعه آن به حوزه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل به‌عنوان یک پارادایم فرا اثبات‌گرا و تأمل‌گرا، آن را در زمره نظریات پست‌مدرنیستی جای داد. چون پست‌مدرنیسم اساساً هرگونه فراروایت به معنای نظریه‌های عام جهان‌شمول که داعیه تبیین کامل و منطبق بر واقعیت روابط بین‌الملل دارد را نفی می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۹). دولت‌ها در سطح تحلیل خرد و فضای بین‌الملل در سطح کلان دو سطح تحلیل در روابط بین‌الملل هستند و خردترین سطح تحلیلی که می‌توان در روابط بین‌الملل از آن نام برد سطح فرد است. اما نظریه ذهن کوانتومی ونت سطح ریز را معرفی می‌کند که حوزه ذهنیت و آگاهی فرد در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی است. اساساً نظریه ذهن کوانتومی «تحلیل را از سطح ریز آگاهی فردی شروع می‌کند و سپس به فرا روایت روی می‌آورد نگاه از زاویه ذهن کوانتومی تردید به قطعیت تمام فراروایت‌ها نیز می‌باشد» (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۰). بنابراین تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نخبگان یک جامعه آن هم از طریق شکل‌دهی مطلوب به ذهنیت آن‌ها از طریق نظریه ذهن کوانتومی ونت قابلیت تبیین داشته باشد.

از حیث نوع، پژوهش پیش‌رو را می‌توان به‌گونه‌ای جز پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی طبقه‌بندی کرد؛ چرا که اولاً به معرفتی تازه و نو درباره نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد و دوماً زمینه را برای طراحی راهبردها و الگوهای متناسب در این حوزه، تسهیل خواهد نمود. این پژوهش از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی بوده و روش انجام این پژوهش از نوع مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است و برای تحلیل داده‌ها از نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت و تکنیک‌های کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بهره خواهد گرفت.

۳- چارچوب مفهومي

در اينجا تعاريفي از مفاهيم اصلي اين پژوهش ارائه خواهد شد: نخستين مفهوم «كوانتوم» و «نظريه كوانتوم» است. كوانتوم واژه لاتين براي مقدار است و در ويكرد مدرنيسي به معنای كم ترين مقدار هر كميت فزيك كه مي تواند به طور مستقل وجود داشته باشد. اولين بار «ماكس پلانك»^۱ بود كه اين اصطلاح را به جامعه فزيك آلمان معرفي كرد (جكسون، ۱۳۹۸: ۲۴). براي نخستين بار در سال ۱۸۹۷ هنگامي كه الكترون كشف شد، تصور كلي بر اين بود كه ذره‌اي بسيار كوچك است، يعني چيزي با اندازه و بُعد معين در فضاست. ولي مطالعات بيشتري كه صورت گرفت نشان داد گرچه الكترون برخي مواقع به گونه‌اي عمل مي كند كه گويي ذره است. در واقع مي توان گفت بر اساس نظريه كوانتوم، زمان و ذره به صورت دائمي ممكن نيست و اصولاً ذره حالت يكسان و ثبات برخوردار نيست. بر اساس اصول نظريه فزيك كوانتومي مي توان ويژگي‌هاي فضاى كوانتومي را «ناپايرجايي»^۲، «ابهام»^۳ و «بي قانوني تحويل ناپذير»^۴ معرفي كرد (حسيني شاهرودي، ۱۳۸۸: ۴۳-۳۶). مفهوم ديگر نظريه «ذهن كوانتومي» است كه مبنای اين فرض شكل گرفته كه دانش نيوتني براي درك نحوه عملكرد مغز و ذهن كافي نيست؛ بنا بر اين، درك كامل مغز و ذهن و به ويژه تبين و توضيح پديده‌هاي مانند خودآگاهي انسان استفاده از نظريه ذهن كوانتومي لازم و ضروري است. فرضيه اصلي نظريه ذهن كوانتومي بيان مي كند مكانيك نيوتني براي توضيح پديده آگاهي كافي نيست اما اين در حالي است پديده‌هاي كوانتومي مانند «برهم نهي» و «درهم تنيدگي» كوانتومي از توانايي لازم براي توضيح بخش زيادي از آگاهي را دارند و نظريه ذهن كوانتومي جنبه‌هاي از دست رفته فزيك كلاسيك را جبران خواهد نمود (ونت، ۱۳۹۸: ۳۲).

آخري مفهومى كه در اين بخش به توضيح آن پرداخته مي شود «سيستم پيچيده» است. پيچيده به معني دشوار در فهميدن و درك كردن آن (فرهنگ وبستر، ۲۰۱۶)، داراي اجزا و بخش‌هاي به هم پيوسته زيادي است. نبود يك تعريف مشترك از سيستم‌هاي پيچيده از ويژگي‌هاي ديگر آن است. با اين همه، تعاريف متعددي درباره سيستم پيچيده ارائه شده است. سيستمي با مؤلفات متنوع و داراي تعاملات گسترده بين مؤلفه‌ها (Rind, 1999)، سيستمي كه عملكرد و برنامه‌ريزي آن به گونه‌اي درك و فهم

1. Max Planck
2. Absolute Indeterminism
3. Ambiguity
4. Irreducible Lawlessness

آن دشوار است (Arthur, 1999). در واقع تئوری سیستم‌های پیچیده هنوز در حال رشد و روشن کردن اصول خود هستند و هنوز یک پدیده نوظهور است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

۴- تحول در الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا با گذر از پارادایم نیوتنی به کوانتومی

نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران به دلیل ترکیب مولفه‌های متعددی مانند عناصر عینی - ذهنی، عناصر ادراکی و شناختی و عملکردهای غیرخطی و نامنظم، می‌تواند در بستر سیستم‌های پیچیده در یک محیط کوانتومی معنادار باشد. یکی دیگر از علل ارائه الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی ایالات متحده در جمهوری اسلامی ایران در بستر پیچیدگی سیستمی، پیش‌بینی‌پذیر نبودن مولف‌های محاسباتی، پیچیدگی و پویایی این سیستم‌ها و غیرخطی بودن آن‌ها است (استرمن، ۱۳۹۷: ۶۳). در واقع ورودی و خروجی سیستم پیچیده نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا همواره ثابت و قابل پیش‌بینی نیست و خلق وضعیت‌های جدید همواره در دستور کار اصلی این نوع خاص الگوپردازی در این گونه سیستم‌ها خواهد بود. به تعبیر نگارندگان پژوهش حاضر، نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران چهار نسل مختلف را پیموده است:

۴-۱- نسل اول: غلبه رویکرد رئالیستی یا واقع‌گرایانه

ایالات متحده آمریکا در پارادایم نفوذ سیاسی - امنیتی خود در جمهوری اسلامی ایران به قدرت سخت نیز اهمیت می‌داده است و در این ویژگی با نظریه واقع‌گرایی و همچنین با مفهوم سنتی «قدرت»، اشتراکات فراوانی داشته و می‌توان از آن به عنوان «قدرت محض» یاد نمود. آنچه رابرت دال در تعریف قدرت به عنوان وادار کردن یک بازیگر به انجام اقدامی که در صورت عدم وجود، آن اقدام را انجام نمی‌داد؛ طرح کرده است (دال، ۱۳۸۴: ۱۳۱) که با نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران بر طبق رویکرد واقع‌گرایی قرابت زیادی دارد. ویژگی‌های محوری نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در این نسل، «دولت محوری» و «قدرت محوری» بوده است که ابعاد سخت قدرت مانند جنگ نظامی نیز حتی می‌توانست در راستای تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی در کشور هدفی مانند جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شود.

۴-۲- نسل دوم: غلبه رویکرد لیبرالیستی

برخلاف نسل اول که دیدگاه واقع‌گرایانه بر الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا حاکم بوده و تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی از طریق قدرت سخت دنبال می‌کرده است؛ در نسل دوم، نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ایران مربوط به رویکردهای لیبرالیستی بوده است. نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در این عصر به‌طور ماهوی متحول شده بود و ویژگی‌های محوری آن تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی از طریق تجارت بین‌الملل، حقوق، سازمان و نهادهای بین‌المللی و داخلی بوده است (نوروزی، ۱۳۹۸: ۴۸). در نسل لیبرالیستی نفوذ سیاسی - امنیتی آن چه مد نظر است، استفاده از نهادهای بین‌المللی و داخلی برای تأثیرگذاری مطلوب بر فضای سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران بوده است. اهمیت تجارت بین‌الملل، حقوق و نهاد بین‌المللی علاوه بر کارکردهای آن‌ها در ایجاد دستور کار جهانی، دولت‌ها را ملزم به رعایت این دستور کارها می‌کند. آمریکا بارها از ساختارهای اقتصادی و نهاد بین‌المللی برای تحمیل اراده سیاسی خود به جمهوری اسلامی ایران و تأثیر بر فضای سیاسی - امنیتی ایران بهره گرفته است (کیانی مجاهد، ۱۳۹۸: ۵۸).

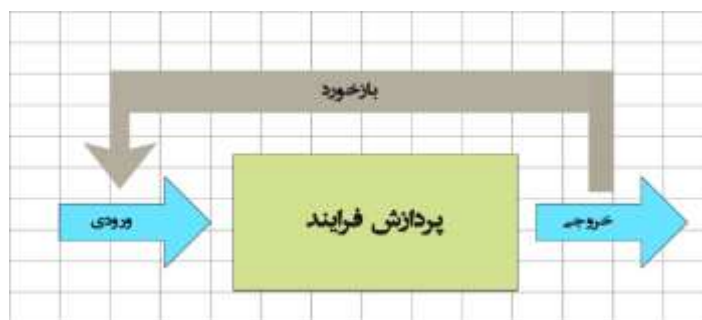
الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در این نسل همان‌طور که گفته شد علاوه بر استفاده از نهادهای بین‌المللی، نهادهای داخلی مانند احزاب سیاسی، نهادهای مدنی، سیاستگذاری، اقتصاد، رسانه‌ها، جامعه مدنی و... را نیز در راستای اعمال و تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی خود در جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است (راجی، ۱۴۰۲: ۱۴۹). حتی در سال ۱۳۸۸ مشاهده شد که چگونه آمریکا از ساختاری دموکراتیک مانند انتخابات برای پیگیری امور ضد دموکراتیکی خود در ایران مانند اغتشاشات، ایجاد دو قطبی‌سازی‌های خطرناک و... در راستای تأثیرگذاری و هدایت فضای سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد.

۴-۳- نسل سوم: غلبه رویکرد سازه‌انگاران

پارادیم نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در نسل سوم رویکردی سازه‌انگارانانه پیدا کرده بود. پیدایش نظریات سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل منجر به اهمیت یافتن هنجارها، ذهن و ادراکات در موفقیت الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران شده است. غلبه نظریات سازه‌انگارانانه در نسل سوم منجر به اهمیت یافتن نحوه ساخت فضای بین‌الذاتی شد. غلبه این

شرایط منجر به فراخواندن نظریات علوم رفتاری مانند روان شناسی، علوم شناختی، علوم ارتباطات و... در جهت تغییر، مدیریت و هدایت ادراکات افراد شد. سازه‌انگاری باعث شد نخبگان آمریکایی پی به این موضوعات ببرند که چگونه می‌توان با دستکاری اطلاعات ورودی به ذهن نخبگان، استفاده از تکنیک‌های متقاعدسازی و چگونگی انتقال پیام، استفاده هوشمندانه از واژگان، نمادها و رنگ‌ها در برساختگی ذهنیت نخبگان جمهوری اسلامی ایران و تأثیرگذاری بر تصمیمات آن‌ها نقش فعالی ایفا کنند (باقری، ۱۴۰۰: ۷۰).

رویکرد سیستمی در سه نسل اول الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا را می‌توان در ساحت نیوتنی و سیستم‌های غیر پیچیده، مورد مطالعه قرار داد. در این رویکردها همان‌گونه که در شکل زیر نمایش داده شده است، سیستم‌ها غالباً محدود و بسته هستند و فرایندهای این الگوها به علت اینکه علی‌الاطلاق در ساحت فضای نیوتنی خلقت یافته‌اند، قابل ردیابی هستند.



شکل ۱. کارکرد سیستم ساده سه نسل اول نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در یک محیط نیوتنی (نگارنده)

۴-۴- بهره‌برداری از ویژگی‌های محیط کوانتوم در توصیف الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در نسل چهارم یا نسل کوانتومی نفوذ

یکی از ویژگی‌های بارز محیط نیوتنی، جبری بودن پدیده‌ها است، بر این اساس و بر پایه وضع کنونی، آینده سیستم قابل محاسبه است و سیستم در محیط نیوتنی ساده است. از ویژگی‌های این سیستم‌ها در محیط‌های نیوتنی می‌توان به امکان پذیر بودن تقسیم‌پذیری اشیاء به اجزا در این سیستم‌ها اشاره کرد. ویژگی دیگر سیستم‌ها در این محیط، مکان‌مند و زمان‌مند بودن عناصر سیستم

است (محمودی کیا، ۱۳۹۶: ۲۰۶). بر مبنای فیزیک نیوتنی، نظمی فراگیر در طبیعت ترسیم می‌شد و جهان ماهیتی مکانیکی و قابل پیش‌بینی داشت که می‌توان برای شناخت آن از روابط منطق ریاضی بهره جست. سه اصل پذیرفته شده در فیزیک نیوتنی شامل اصل واقع^۱ به این معنا که نظریه‌های علمی جهان را آن که هست تبیین می‌کنند؛ اصل دوم موجبیت^۲ آینده هر سیستم با شناخت «فاعل شناسا» مستقل از وضعیت دقیق حاضر قابل پیش‌بینی است و اصل سوم و آخر تقلیل‌گرایی^۳ به معنای رفتار کوچک‌ترین اجزاء و ذرات سازنده، تعیین‌کننده رفتار کل می‌باشد (رامین، ۱۳۹۱: ۸۶). ویژگی دیگر و پایه اصلی رویکرد نیوتنی «نگرش خطی» است، که سایر ویژگی‌ها مانند: تقلیل‌گرایی، قطعیت و نظم را موجب می‌شود (افتخاری و راجی، ۱۴۰۱: ۳۷۵).

اما فضا و زمان دو عنصر کلیدی در محیط کوانتومی شناخته می‌شود و پدیده‌ها به صورت مداوم در حال حرکت و برقراری پیوند و ایجاد برهم‌کنش و خلق وضعیت‌های نو با سایر پدیده‌ها هستند و در این وضعیت تقریباً می‌توان گفت هیچ پدیده اجتماعی و سیاسی نمی‌تواند جدای از سایر پدیده‌ها مورد مطالعه قرار گیرد و اصولاً درک و شناخت مستمر و دائمی در این شرایط، ایجاد نخواهد شد. در واقع اگر قرار باشد پدیده‌ای در ساحت فیزیک نیوتنی بررسی شود، بر اساس فرضیات فیزیک نیوتنی می‌توان برای محاسبه رفتار یک متغیر خاص برخی از متغیرهای دیگر را ثابت فرض کرد. اما این حالت در محیط کوانتومی امکان‌پذیر نمی‌باشد چرا که در این محیط تعاملات بر اساس پویایی مجموعه است. «در ساحت کوانتوم، آنچه شبیه ارگانسیم‌های مجزا به نظر می‌رسد، فقط اثرات ناهمدوسی^۴ محلی میدان‌های کوانتومی است؛ در کوانتوم همه چیز به همه چیز مربوط است» (Wendt, 2015:148). در این شرایط، بررسی پدیده‌ها و مسائل اجتماعی و یا الگوهای غلبه آمریکا بر دشمنان خود از طریق رویکردهای خطی یا به تعبیری کلاسیک یا نیوتنی از کارایی چندانی برخوردار نخواهد بود. در این فرآیند، بازیگر هدف که در این پژوهش جمهوری اسلامی ایران است؛ می‌بایست به جای توصیف الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا، توانایی درک آن را به عنوان الگویی پیچیده در ساحت کوانتوم را فرا گیرد.

1. Realism
2. Determinism
3. Reductionism
4. Decoherence

اتفاق دیگری که با گذر از فیزیک نیوتن به کوانتوم در نسل چهارم الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاد؛ غلبه یک رویکرد لیبرالیسم سازه‌انگارانه واقع‌گرا است که متأثر از سه نسل پیشین بوده و تحت تأثیر بازی‌های کوانتومی که برگرفته از ویژگی‌های محیط کوانتوم بوده عمل می‌کند (راجی، ۱۴۰۲: ۱۳۲). ترکیب این سه رویکرد و نحوه بروز آن در نسل کوانتوم نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا تحت تأثیر ویژگی‌های محیط کوانتوم مانند «آبرجایگزیدیگی» و... قرار دارد که باعث می‌شود هیچ‌گونه قطعیتی در نحوه بروز و نسبییت تلفیق این سه رویکرد وجود نداشته باشد. حتی احتمال غلبه رئالیسم در ترکیب این سه رویکرد و بروز آن در الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران وجود دارد.

در ادامه برخی از مفاهیمی مانند پیچیدگی و آشوبناک شدن سیستم‌ها، آبرجایگزیدیگی، ناپابرجایی و کل‌گرایی در دنیای کوانتومی که قادر خواهند بود پیچیدگی الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران را بهتر تبیین کنند، ارائه خواهد شد و سپس بر اساس مبانی نظری ارائه شده، الگوی نهایی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران بر اساس این مفاهیم و نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت ترسیم می‌شود.

۱-۴-۴- آشوبناک شدن سیستم

یکی دیگر از ویژگی‌های محیط‌های کوانتومی، پیچیدگی و آشوبناک شدن سیستم‌ها است. سیستم‌های آشوبناک به سیستم‌هایی گفته می‌شود که رفتار بسیار حساس به شرایط اولیه دارند. به عبارت دیگر، کوچک‌ترین تغییری در شرایط آغازین یک سیستم آشوبناک می‌تواند منجر به تفاوت‌های بسیار بزرگ در رفتار بلندمدت آن شود. این ویژگی، به همراه وجود تعداد زیادی درجه آزادی و غیرخطی بودن سیستم، باعث بروز رفتارهای پیچیده و به ظاهر تصادفی می‌شود. با این حال، در دل این آشوب، الگوهای نظمی نهفته است. این الگوها اغلب به صورت جاذب‌ها ظاهر می‌شوند. جاذب‌ها، مجموعه‌هایی از نقاطی هستند که سیستم در طول زمان به سمت آن‌ها حرکت می‌کند. در سیستم‌های آشوبناک، جاذب‌ها اغلب دارای ساختارهای پیچیده و فراکتالی هستند. بعد فراکتالی یک ویژگی مهم جاذب‌ها است و نشان می‌دهد که چگونه ساختار آن‌ها بین

يك بعد اقليدسي و يك بعد بالاتر قرار دارد (قاسمي، ۱۳۹۲:۶۲). برخي انديشمندان بين پيچيدگي و سيستمي و آشوبناك شدن سيستمي تمايز قائل هستند ولي فرض اساسي در اين پژوهش به علت مطرح بودن آن در ساحت كوانتوم، بين پيچيدگي و آشوبناك شدن سيستمي، هم‌پوشاني تقريبي قائل است.

به تعبير اين پژوهش سه نسل اول الكوي نفوذ سياسي- امنيتي آمريكا در جمهوري اسلامي ايران در طبقه سيستم‌هاي ساده قرار مي‌گيرند. حتي با وجود آن كه در نسل سوم الكوي نفوذ سياسي- امنيتي آمريكا تا حد زيادي پيچيده بوده است. اما آشوبناك شدن الكوي نفوذ سياسي- امنيتي آمريكا در نسل چهارم هم‌زمان با گذر از پارادايم نيوتوني به كوانتومي رخ داده است. مؤلفه‌ها و متغيرهاي محدود و مشخص از ويژگي‌هاي سيستم‌هاي خطي و ساده هستند كه علت و معلول در اين سيستم‌ها قابليت پيش‌بيني پذيري برخوردار بوده و از الكوي ارتباطي مشخصي برخوردار هستند؛ اما سيستم‌هاي پيچيده و آشوبناك و غيرخطي داراي متغيرها و مؤلف‌هاي درهم آميخته هستند و برخلاف سيستم‌هاي خطي كه رابطه علت- معلولي داراي الكوي ارتباط مشخصي است اما در سيستم آشوبناك رابطه علت- معلولي در هاله‌اي از ابهام و پويائي مداوم قرار دارد كه نمي‌توان اجزاي آن را به مثابه كل مجموعه در نظر گرفت (محمدي نجم، ۱۳۸۵:۱۷).

۲-۴-۴- ابرجايگزيديكي

«ابرجايگزيديكي» از ويژگي‌هاي جديد فيزيك كوانتوم است. در واقع، در ساحت فيزيك كوانتوم، با كليتي درهم تنيده، شبح‌وار و غيرقابل تقسيم روبرو هستند كه عناصر آن جدائي ناپذير و در ارتباط با هم است. ابرجايگزيديكي بيان مي‌كند كه دنياي كوانتومي بسيار آشوبناك، نامطمئن و پيوسته است و بسته به ذهنيست كمشگران كوانتومي از قابليت تغيير برخوردار است (راجي، ۱۴۰۲:۱۴۲). دنياي كوانتومي امروزي؛ دوره‌اي از عدم اطمينان‌ها، تغييرات سريع، پيچيدگي و به هم پيوستگي‌ها هست (قاضي‌زاده و همكاران، ۱۳۹۹:۱۲۵-۱۲۴). نتيجه كلي كه ابرجايگزيديكي مي‌خواهد به آن برسد آن است كه قطعيتي در مكان و ديگر ويژگي‌هاي ذره وجود نداشته و ذره در تمامي مكان‌ها احتمال حضور وقوع آن‌ها وجود دارد و در واقع ذره خاصيت غير جايگزيديكي پيدا کرده است. ابرجايگزيديكي نقطه مقابل ويژگي دترمينستي

فیزیک نیوتنی است چرا که به دلیل زمان‌مند و مکان‌مند بودن جهان هستی در ساحت نیوتنی از خاصیت اندازه‌گیری برخوردار است (کراپر، ۱۳۸۷:۳۳۵).

در تحلیل الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا نیز خاصیت ابرجایگزیدگی اهمیت قابل توجهی دارد چرا که الگوهایمانند الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران نیز حالت ابرجایگزیدگی پیدا کرده است. اگر یک زمانی هدف نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ایران دولت بوده است؛ اکنون حوزه‌های دیگر نیز می‌توانند درگیر مسئله شوند یا اگر زمانی دولت آمریکا مبنا و کنشگر اصلی در تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی در جمهوری اسلامی بوده است اکنون ویژگی ابرجایگزیدگی باعث شده از این رویکرد سنتی فاصله گرفته شود و بازیگران غیردولتی جایگزین دولت در تحقق الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران شوند (محمودی کیا، ۱۳۹۶:۲۱۳).

به‌طور کلی ابرجایگزیدگی در بحث نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران بیان می‌کند هر قسمت و حوزه‌ای در هر مکانی و زمانی می‌تواند برای تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی به کار گرفته شود و جامعه هدفی مانند ج.ا.ایران به دلیل خاصیت ابرجایگزیدگی الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا تنها می‌تواند از میزان احتمال وقوع آن سخن بگوید.

۳-۴-۴- ناپابرجایی

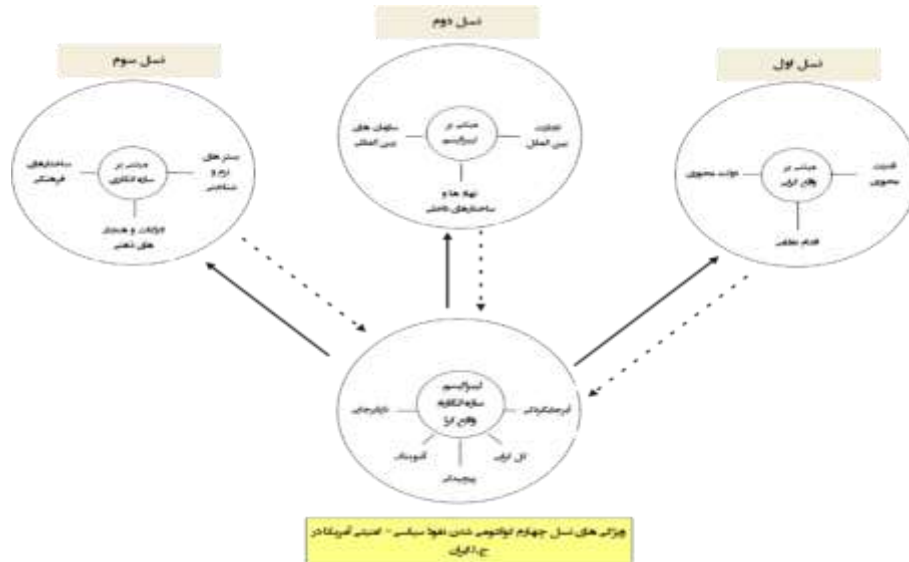
مهم‌ترین دست‌آورد هایزنبرگ در نظریه کوانتوم اصل «ناپابرجایی» یا به تعبیر عامیانه آن اصل «عدم قطعیت» است که پیامدهای گسترده‌ای داشته است. براساس اصل ناپابرجایی هایزنبرگ، هرچه برای کسب دقت بیشتر در یک کمیت تلاش بیشتری کنیم؛ در واقع دانش ما نسبت به آن کمیت، کم‌تر خواهد بود (گلشنی، ۱۳۸۵:۴۱۹). لذا اگر مکان یک ذره، مثلاً الکترون یا یک اتم را به دقت اندازه‌گیری شود به ناچار الکترون چنان آشفته می‌شود که رفتار بعدی آن تقریباً نامعین و غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود (کراپر، ۱۳۸۷:۳۴۲). در نتیجه نتایج حاصل از یک آزمایش برای مشاهده‌گران، متفاوت خواهد بود و حتی ممکن است برای یک مشاهده‌گر نتایج مختلف و متنوعی بروز کند (منصوری، ۱۳۹۵:۳۵).

بر اساس اصل ناپابرجایی در محیط کوانتوم، وقایع آتی را در الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران را نمی‌توان با اطمینان پیش‌بینی و هدف‌گذاری کرد. کنشگران مختلف در نقش‌ها و هویت‌های متفاوت و گاهاً متعارض ظاهر می‌شوند و کنشگری می‌کنند (قاضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۵). بنابراین می‌توان گفت رفتار بازیگران الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران از قطعیت و جزمیت برخوردار نیست.

۴-۴-۴- کل‌گرایی

یکی دیگر از ویژگی‌های محیط کوانتومی اصل «کل‌گرایی» است. این رویکرد نگرگاه کلاسیک به جهان را که بر اساس آن هر پدیده‌ای را می‌توان با شناسایی و درک خواص اجزای آن درک کرد، ابطال نموده و معتقد است درک اجزا با در نظر گرفتن پویایی‌های کل امکان‌پذیر است (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۱). «پل تلو» با ارائه مفهوم کل‌گرایی بیان می‌کند: «در مفهوم واقعی، هیچ جزئی موجودیت ندارد، بلکه صرفاً الگوهایی در شبکه‌ای جدای ناپذیر از روابط وجود دارند» (Selby, 1999:132). بنابراین طبق رویکرد کل‌گرایی در ساحت کوانتوم، پدیده‌های کوانتومی مانند الگوی نفوذ سیاسی امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی از هویت ثابت و قطعی برخوردار نیست. در واقع بر اساس رویکرد کل‌گرایی در مکانیک کوانتوم، ذرات در ساختاری تعاملی و شبکه‌ای که به یکدیگر وابسته هستند رفتار می‌کنند (قاضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۶). در تعامل و ارتباط بودن پدیده‌های کوانتومی باعث بروز ویژگی زمین‌گرایی در پدیده‌های کوانتومی می‌گردد. این خاصیت باعث می‌شود تا زمانی که این ذرات با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند هویت کاملاً ثابتی نداشته باشند (حیدری، ۱۳۹۹: ۳۲).

بنابراین تا زمانی که در الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران روابط بین زیر سیستم‌ها برقرار است، الگو شکل ثابت به خود نخواهد گرفت و در یک روند دائمی غیرخطی و نامعین به سر می‌برد که این موضوع باعث می‌شود الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا از یک انعطاف‌پذیری حداکثری برای تعریف خود برحسب شرایط مختلف برخوردار شود و در خلق هویت‌های مختلف به یک سازگاری پویا دست پیدا کند.



شکل ۲. ویژگی‌های نسل چهارم کوانتومی شدن نفوذ سیاسی - امنیت آمریکا در ج.ا.ایران (نگارنده)

۶- بهره‌گیری از ذهن کوانتومی ونت در شکل‌دهی به رفتار تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان

در بخش اول این پژوهش، ابتدا تا حدی با بنیان‌های فیزیک کوانتوم آشنا شده و از ظرفیتی که تئوری مکانیک کوانتوم در اختیار پژوهشگران مسائل علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار می‌دهد؛ به تبیین ماهیت الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در نسل چهارم یا نسل کوانتومی شدن نفوذ پرداخته شد. در ادامه پژوهش با استفاده از نظریه ذهن کوانتومی ونت به یکی از بی‌نهایت‌ها از چگونگی نحوه تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی پرداخته می‌شود و در پایین این پژوهش با ارائه «برجام» به عنوان مطالعه موردی که به تعبیر بسیاری از پژوهشگران مصداق بارز نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا بوده است، نظریه ذهن کوانتومی ونت در این زمینه مورد ارزیابی قرار داده خواهد شد.

بر اساس نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت، دانش مکانیک کوانتومی برای درک کامل مغز و ذهن و به‌ویژه پدیده خودآگاهی ضروری است. فرضیه‌ای که مبنای نظریه ذهن کوانتومی ونت

را تشکیل می‌دهد، اعتقاد دارد مکانیک کلاسیک توانایی توضیح پدیده خودآگاهی را ندارد. الکساندر ونت در کتاب خود تحت عنوان «ذهن کوانتومی و علوم اجتماعی» بیان می‌کند که فرد و اجتماع را از دریچه ذهن کوانتومی به صورت توابع موجی می‌بایست نگریست. به این معنی که انسان مانند ذرات، رفتاری موجی و یا ذره‌ای به صورت فردی و هم جمعی از خود نشان می‌دهد (ونت، ۱۳۹۸: ۱۲۰). ونت در تعریفی که از انسان ارائه می‌کند؛ آن را توابع موجی «دوپا» معرفی می‌کند (ونت، ۱۳۹۸: ۱۳۱) از نظر ونت «نوع بشر و بنابراین حیات اجتماعی، همدوسی کوانتومی را به نمایش می‌گذارد و در نتیجه ما در حال قدم زدن در توابع موجی هستیم. منظور از این استدلال یک قیاس یا استعاره نیست، بلکه ادعایی واقعی در مورد آن چیزی است که مردم واقع هستند. محققان مدت‌ها به تعدادی از شباهت‌های قوی بین بشر و فرایندهای کوانتومی اشاره کرده‌اند: میان اراده‌های آزاد و فروریزش توابع موج» (ونت، ۱۳۹۸: ۱۴۸). ونت با ادعای همدوسی کوانتومی انسان و حیات اجتماعی به دنبال آن است نشان دهد، توابع موج چگونه تحت تأثیر اراده آزاد (آگاهی‌های جدید) دچار اضمحلال و فروپاشی می‌توانند شوند. در واقع، بر اساس اصل برهم نهی، یک سیستم کوانتومی می‌تواند در چندین حالت به طور همزمان وجود داشته باشد. این حالت‌ها به صورت یک تابع موج ریاضی توصیف می‌شوند. اما هنگام انجام یک اندازه‌گیری، این برهم نهی از بین می‌رود و تابع موج به یکی از حالت‌های ویژه اندازه‌گیری (یا مداخله‌گر)، فرو می‌پاشد و نتیجه اندازه‌گیری ما، یکی از مقادیر ویژه متناظر با آن حالت خواهد بود (مک ماهون، ۱۴۰۰: ۹۶).

بحث خودآگاهی که این پژوهش مطرح می‌کند برگرفته از نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت است. در واقع «آگاهی» و فرایند برساخته شدن آن مقوله پیچیده‌ای است. پدیده خودآگاهی تحت تأثیر فضا- زمان در ساحت کوانتوم به صورت وهله‌ای و مستمر از طریق مبادلات ذهنی، ورودی‌های ذهنی و زبانی و نشانه شناسیک تشکیل می‌شود. در واقع ونت با ارائه نظریه ذهن کوانتومی، تلاش کرده است تا با استفاده از مفاهیم مکانیک کوانتوم، حتی با وجود حاکمیت آن چیزی که هایزنبرگ از آن به عنوان عدم قطعیت نام می‌برد، مدل جدیدی برای فرایند تصمیم‌گیری ارائه دهد. وی معتقد است که با بزرگ‌نمایی مقیاس کوانتومی و بررسی آن در سطح ماکروسکوپی و شناخت و نحوه تأثیرگذاری ورودی و خروجی‌های ذهن، می‌توان به پیش‌بینی و حتی کنترل برخی از جنبه‌های تصمیم‌گیری دست یافت (ونت، ۱۳۹۸: ۲۱۰).

طبق دیدگاه ونت در نظریه ذهن کوانتومی پدیده خودآگاهی تحت تأثیر توابع موج است و بر اساس اصل «ناپابرجایی» و «ابرجایگزیدگی» از سیالیت حقیقت رنج می‌برد و ثابتهای از ثبات برخوردار نیست. بنابراین از گفته‌های ونت می‌توان این گونه نتیجه گرفت فضای سیاسی-امنیتی ایران در دنیای کوانتوم احتمال اخذ برخی تصمیم‌ها (مانند امضای برجام) از سایر احتمالات (مانند عدم امضای برجام) بیشتر است و این که کدام حالت اتفاق می‌افتد؛ از نظر ونت بستگی به خودآگاهی و توابع موج دارد و می‌توان از طریق فروپاشی در توابع موج آن حالتی که مورد انتظار نخبگان آمریکایی است، با استفاده از خواص دنیای کوانتوم که یکی از این ابزارها «امواج آگاهی» هست؛ توابع موج و خودآگاهی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان نخبگان ایرانی را به مرز فروپاشی رساند و حالت «مطلوب» خود را بر ساخته و به تصویب نهایی برسانند. در مسئله «برجام» فروپاشی در توابع موج نخبگانی ایرانی از طریق «مدیریت ادراک» و به رهبری رسانه‌ها توسط آمریکا صورت گرفت که در ادامه با بررسی مطالب رسانه‌های غربی از زمان آغاز دولت یازدهم تا امضای برجام نحوه تولید آگاهی و دانش توسط رسانه‌ها در راستای فروپاشی توابع موج نخبگان ایرانی و هدایت آن‌ها در اخذ رفتار مطلوب یعنی توافق هسته‌ای نشان داده می‌شود:

۱-۶- عدم توافق هسته‌ای مساوی است با احتمال وقوع جنگ

- امضای توافق هسته‌ای نشان‌دهنده عملکرد عقلانی ایران در فضای بین‌الملل خواهد بود؛
- مذاکرات هسته‌ای با تهران هر زمانی هم که به نتیجه برسد از هر پیشنهاد جایگزین دیگری بهتر خواهد بود (Krauthammer, 2015)؛
- در صورتی که تهران در مذاکرات هسته‌ای تساهل نداشته باشد؛ جان کری آماده است تیم آمریکایی را از سوئیس خارج کند و در این صورت واشنگتن به گزینه‌های دیگر خود فکر می‌کند (Gearan & Warrick, 2013)؛
- امضای توافق هسته‌ای می‌تواند به افزایش اعتبار داخلی دولت ایران و ثبات منطقه‌ای منتهی شود (Loveday & Naylor, 2015)؛
- عدم توافق نهایی می‌تواند سبب دو قطبی شدن جامعه و بی‌ثباتی شود (Rezaian & Gearan, 2014)؛

- توافق هسته‌ای می‌تواند از گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه‌ای خطرناک جلوگیری کند (Rezaian, 2014 & Gearan)؛
- عدم توافق هسته‌ای می‌تواند آمریکا را به سمت سایر گزینه‌ها حتی نظامی سوق دهد (Morello, 2015)؛
- توافق هسته‌ای می‌تواند راهی برای پایان دادن به مناقشات منطقه‌ای از جمله جنگ سوریه باشد (Morello, 2015)؛
- در صورت پذیرش محدودیت‌های هسته‌ای، بین تهران و واشنگتن روابط حسنه برقرار خواهد شد؛ (Sanger & Broad, 2015)؛
- توافق هسته‌ای فقط منجر به عدم دسترسی ایران به تسلیحات هسته‌ای خواهد شد (Sanger & Broad, 2015).

۲-۶- عدم توافق هسته‌ای مساوی است با تشدید و باقی ماندن تحریم‌ها

- ایران یک اینچ تا لغو همه تحریم‌ها فاصله دارد (Krauthammer, 2015)؛
- پس از توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها، مجدد نمی‌توان آن‌ها برگرداند؛
- در صورت توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها ایران می‌تواند به هژمون منطقه تبدیل شود (Gearan & Warrick, 2013)؛
- توافق هسته‌ای با ایران می‌تواند بازارهای جدیدی برای سرمایه‌گذاران به وجود آورد (Loveday & Naylor, 2015)؛
- در ازای پذیرش بازرسی‌های دقیق و محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای، ایران تخفیف‌های تدریجی از تحریم را تا لغو همه تحریم‌ها را دریافت خواهد کرد (Rezaian, 2014 & Gearan)؛
- ایران برای فعالیت‌های هسته‌ای خود هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و... زیادی داده است (Rezaian, 2014 & Gearan)؛
- رئیس‌جمهور روحانی برای بهبود شاخص‌های رو به افول اقتصادی ایران باید با غرب به

توافق برسد (Morello, 2014)؛

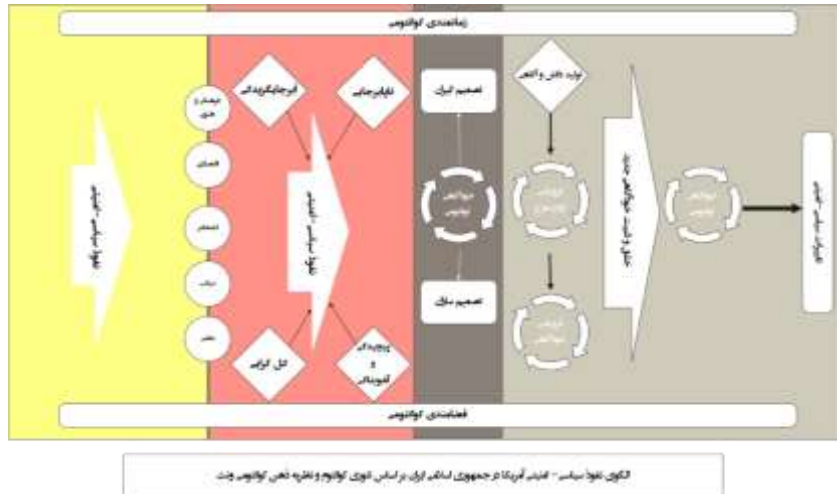
- توافق با تهران می‌تواند صدها میلیارد دلار درآمد صادراتی از دست رفته را به ایران سرریز کند (Cohen & Takeyh, 2014)؛
- توافق هسته‌ای می‌تواند اقتصاد ایران غنی از نفت را شکوفا کند (Sanger & Broad, 2015)؛
- در صورت توافق تهران- واشنگتن، کنگره حتماً همه تحریم‌های آمریکا علیه ایران تصویب خواهد کرد (Sanger & Broad, 2015).

۳-۶- عدم توافق هسته‌ای مساوی است با تشدید انزوای بین‌المللی ایران

- ایران با پذیرش محدودیت‌های هسته‌ای می‌تواند همه چیز را با هم بدست آورد از جمله پذیرش از سوی جامعه بین‌الملل (Cohen & Takeyh, 2014)؛
- در صورت وجود اراده سیاسی در تهران، توافق هسته‌ای می‌تواند آغازی بر حل اختلافات ۳۵ ساله تهران- واشنگتن باشد (Sanger & Broad, 2015)؛
- ایران برای بهبود روابط خود با غرب، می‌بایست به توافق جامعی برسد (Sanger & Baker, 2013)؛
- اوپاما: توافق هسته‌ای فرصتی را ایجاد می‌کند تا ایران در مسیری جدید گام بگذارد و ما باید از آن استفاده کنیم (Sanger & Baker, 2014)؛
- توافق با ایران بر سر مسائل هسته‌ای می‌تواند «دیدگاه‌های مثبت و واقع‌بینانه‌ای» از تهران در جوامع بین‌الملل مخابره خواهد نمود (Sanger & Baker, 2014)؛
- با عزم ایران در مذاکرات، به نظر می‌آید ایران دیگر نمی‌خواهد از جامعه بین‌الملل تجزیه باشد (Sanger & Baker, 2013).

از بررسی تنها سه نشریه آمریکایی New York Times, Washington Post, Foreign Policy در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، سال‌هایی که دیپلمات‌های ایرانی مشغول مذاکرات هسته‌ای با طرف‌های مقابل خود بودند؛ مشاهده شد طبق نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت، نخبگان

ایالات متحده آمریکا در راستای فروپاشی توابع موج و به تبع آن تأثیرگذاری بر روی خودآگاهی نخبگان ایرانی در راستای تحمیل توافق هسته‌ای از طریق امپراتوری رسانه‌ای خود که در موضوع این قسمت از این پژوهش تنها به سه نشریه نام برده شده بسنده شد؛ از طریق رسانه‌های خود به تولید دانش و امواج آگاهی برای تأثیرگذاری بر روی نخبگان ایرانی مبادرات کردند. تلاش اولیه آن‌ها القا این موضوع بود که در صورتی که مذاکرات هسته‌ای به نتیجه نرسد برای آمریکا و متحدانش چاره‌ای جز اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران باقی نخواهد ماند و این موضوع را به گونه‌ای استادانه در پوشش ادبیات رسانه‌ای خود مطرح می‌کردند که نتیجه ذهنی نخبگان ایرانی به صورت پدیده‌ای خودآگاه به این موضوع برسد. اقدام دیگری که انجام دادند موضوع تحریم‌ها و اقتصاد ایران را در ذهنیت نخبگان ایرانی به گونه‌ای دیگر بر ساختند. در ضلع دوم مثلث تأثیرگذاری بر روی پدیده خودآگاهی نخبگان ایرانی، آمریکا تلاش کرد تمام مشکلات اقتصادی ایران را به تحریم‌ها ربط دهد و چاره رفع افول اقتصادی را پذیرش توافق هسته‌ای بداند که تا حدود زیادی موفق نیز بوده است به گونه‌ای که در یک مورد این ذهنیت برای نخبگان ایرانی بر ساخته شده بود که در صورت توافق و لغو تحریم‌ها، اولاً آمریکا به سادگی نخواهد نتوانست از برجام خارج شود و دوماً توانایی بازگشت کامل تحریم‌ها را مانند گذشته نخواهد داشت. این در صورتی بود که در زمان ریاست جمهوری ترامپ، آمریکا به راحتی از برجام خارج و تمام تحریم‌ها را نیز مجدد بر قرار کرد. ضلع سوم این سناریو بیشتر روابط ایران با روسیه و چین را هدف گرفته بود به گونه‌ای که در اینجا نیز این ذهنیت برای نخبگان ایرانی بر ساخته شده بود که توافق هسته‌ای با غرب می‌تواند متحدان جدیدی برای ایران پیدا کند؛ اما برجام علاوه بر اینکه نتوانست متحدی از غرب برای ایران فراهم کند، بلکه باعث ایجاد فاصله نسبی، نسبت به این دو ابرقدرت شرق نیز شد.



شکل ۳. الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران بر اساس تئوری کوانتوم و نظریه ذهن کوانتومی ونت (نگارنده)

نتیجه گیری

همان گونه که در طول پژوهش نیز به آن پرداخته شد، بررسی مسائل اجتماعی و پدیده‌های پیچیده‌ای مانند الگوی‌های غلبه آمریکا بر دشمنان خود مانند جنگ ترکیبی یا نفوذ سیاسی - امنیتی در کشورهایی مانند ج.ا.ایران را نمی‌توان از طریق رویکردهای خطی یا به تعبیری نیوتنی بررسی کرد چرا که از کارایی چندانی برخوردار نخواهند بود و علت آن است که آمریکا الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی خود در جمهوری اسلامی ایران را در ساحت فیزیک کوانتوم طراحی و ارائه می‌کند. الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ساحت کوانتوم همانند سایر پدیده‌ها از موقعیت‌های یکسانی برخوردار نیستند چرا که «آبرجایگزیدگی» و «ناپابرجایی» که جز اصول اساسی در محیط کوانتوم بوده‌اند، موجب می‌شوند؛ در نسل چهارم و کوانتوم نفوذ، نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران در فضایی از بازیگران مختلف اعم دولتی و غیردولتی و عوامل مختلف و در یک تعامل پویا با سایر پدیده‌ها معنا یابد و متناسب با فضای سیاسی - امنیتی کشور از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار شود و براساس این دو اصل الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی

آمریکا در جمهور اسلامی ایران از ثبات برخوردار نیست. دو ویژگی دیگر محیط کوانتوم «آشوبناک و پیچیدگی سیستمی» و «کل‌گرایی» که به موجب این دو ویژگی الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در یک سیستم پیچیده و آشوبناک که با کل‌گرایی رابطه توأمان دارد و بر خلاف سیستم‌های ساده، به علت حاکمیت کل‌گرایی و آشوبناک بودن سیستم رابطه علت - معلولی در هاله‌ای از ابهام دائمی قرار دارد که باعث می‌شود مقابله با آن تا حدی غیرممکن به نظر برسد. مشخص شد، نفوذ سیاسی - امنیتی در نسل اول دارای رویکرد واقع‌گرایانه بوده و ابزارهای تحقق آن در طبقه سخت قرار می‌گیرد. در نسل دوم نیز این بار نوبت به غلبه رویکرد های لیبرالیستی بوده است که نهادهای بین‌المللی و داخلی اعم از دولتی و غیردولتی تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا را رقم می‌زنند. در نسل سوم نوبت حاکمیت نظریات سازه‌انگاران بر الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی بود که نتیجه آن تلاش برای تاثیر بر بساختگی ذهنیت نخبگان جمهوری اسلامی ایران بوده است. در نسل چهارم غلبه فیزیک کوانتوم باعث شده است الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران از یک رویکرد لیبرالیسم سازه‌انگانه پیروی کند و ویژگی‌های محیط کوانتوم باعث شده در شرایط مختلف تلفیقی متفاوت از این سه رویکرد با نسبت‌های متفاوت در الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا بروز کند.

بعد از تبیین الگوی نفوذ سیاسی - امنیتی آمریکا در ج.ا.ایران به عنوان پدیده‌ای کوانتومی، در قسمت دوم این مقاله با فراخواندن نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت تلاش شد با استفاده از این نظریه چگونگی تحقق نفوذ سیاسی - امنیتی از طریق تولید دانش و آگاهی و ایجاد فروپاشی در توابع موج نخبگان ایرانی و به تبع آن خودآگاهی نخبگان، توافق نه‌چندان خوب «برنامه اقدام مشترک» را در ذهنیت نخبگان ایرانی یگانه راه برای برون رفت از مشکلات اقتصادی، سیاسی و ... معرفی کنند و همان‌طور که گفته شد، نخبگان آمریکا توانستند از طریق مدیریت ادراک که به کمک رسانه‌ها صورت می‌گرفت در بازه زمانی آغاز مذاکرات هسته‌ای تا امضای برجام با استفاده از: برگزاری نشست خبری با تمرکز بر توافق هسته‌ای، برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی، پوشش خبری گسترده از ایراد سخنانی پیرامون مذاکرات هسته‌ای، گفت‌وگوهای هفتگی در برنامه‌ها

رادیویی و برگزاری مصاحبه با کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی پیرامون نتایج مثبت توافق هسته‌ای با تولید دانش و آگاهی برای نخبگان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز ایرانی، مطابق میل و خواسته خود روند مذاکرات را تا توافق نهایی با گرفتن بیشترین امتیاز از ایران و دادن کم‌ترین امتیاز هدایت کنند و زمینه‌ها را برای برجام‌های دیگر فراهم کنند.

نظریه ذهن کوانتومی الکساندر ونت تنها یکی از بی‌نهایت‌ها بوده است که در خصوص الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شده است و تلاش شد با تطبیق آن با نحوه پذیرش توافق هسته‌ای از سوی ایران با شرایط بسیار ناعادلانه و تأثیر آن بر فضای سیاسی-امنیتی، نحوه به کارگیری نظریه‌های مختلف را در فضای کوانتوم و در الگوی‌های غلبه مانند نفوذ سیاسی-امنیتی نشان داده شود.

به‌طور کلی با توجه به این موضوع که الگوی نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران در ساحت کوانتوم عمل می‌کند و در این الگو هر چیزی بستگی به هر چیز دیگر دارد؛ رسیدن به یک نقطه نظر واحد در خصوص چستی الگوی آن، یک معضل روش‌شناختی دشواری است که باعث می‌شود هر گونه طرح یا راهبردی را برای خنثی‌سازی آن بی‌اثر کند. پیشنهاد این پژوهش برای حل این معضل آن است که طرح‌ها و راهبردهای مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ سیاسی-امنیتی آمریکا نیز در ساحت کوانتوم طرح‌ریزی شود که احتمالاً نه بصورت کامل ولی تا حدودی می‌تواند نسبت به وضعیت فعلی مفیدتر باشد.

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر و راجی، محمدهادی. (۱۴۰۱). تحلیل مفهوم قدرت در جامعه پیچیده پست‌مدرن. سیاست، ۵۲(۲)، ۳۶۸-۳۳۹. جکسون، جان دیوید. (۱۳۹۸). الکترو دینامیک کلاسیک. ترجمه محمد بهتاج لجبینی، و ابوتراب یغمایی بوده. انتشارات نیاز دانش.
- حسینی شاهرودی، سیدمرتضی. (۱۳۸۸). بررسی و نقد دیدگاه فیزیک کوانتوم درباره اصل علیت. آموزه های فلسفه اسلامی، ۵(۸)، ۶۱-۳۳.
- حیدری، الهام (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اتاق های فکر بر فرایند تصمیم گیری در سیاست خارجی آمریکا بر اساس نظریه ذهن کوانتومی. رساله دکترا، گیلان: دانشگاه گیلان.
- دال، رابرت. (۱۳۸۴). قدرت در دست کیست؟ ترجمه: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران: نشر غرب شناسی.
- راجی، محمد هادی. (۱۴۰۲). الگوی جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران. رساله دکترا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رامین، فرح. (۱۳۹۱). نظریه کوانتوم و برهان نظم. فلسفه و کلام، ۴۵(۲)، -.
- رحیمی، بهمن. (۱۳۹۹). طرح راهبردی مقابله با نفوذ آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آراء مقام معظم رهبری (مدظله العالی). رساله دکتری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- روحی، مهدی، فیروزکوهی، مهدی، کریم زاده، علی، حمزه پور، علی، برزنونی، محمدعلی، صفری، ابراهیم. (۱۴۰۱). چیستی نفوذ فکری - فرهنگی. آفاق امنیت، ۱۵(۵)، ۱۹۷-۲۲۷.
- شاهسوندی، اسما. (۱۳۹۴). بنیان های نظری بازدارندگی منطقه ای در سیستم های پیچیده و آشوب (مدل بازدارندگی منطقه ای خاورمیانه). پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز
- عرفانی، علی. (۱۴۰۲). طرح راهبردی مقابله با نفوذ علمی دشمن در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۲). نظریه های روابط بین الملل: بنیان های نظری نظم و رژیم های بین المللی. تهران: نشر میزان
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). نظریه های روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای. چاپ اول، تهران: نشر میزان
- کراپر، واج. (۱۳۸۷). فیزیکدانان بزرگ. ترجمه محمدعلی جعفری، چاپ اول، تهران: نشر اختران
- قاضی زاده، شهرام؛ کشیشیان سیرکی، گارینه و خداوردی، حسن. (۱۳۹۹). کاربرد نظریه کوانتوم در تحلیل جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳(۳)، ۱۳۶-۱۱۲.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۸۵). تحلیلی از دیدگاه های فلسفی فیزیکدانان معاصر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی نجم، سید حسین. (۱۳۸۵). جنگ شناختی بعد پنجم جنگ. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی - موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- محمودی کیا، محمد. (۱۳۹۶). سیاست کوانتومی: کاربرد نظریه کوانتوم در تحلیل پدیده های سیاست بین الملل. پژوهش های روابط بین الملل، ۷(۲۶)، ۱۹۷-۲۲۱.
- منصوری، علیرضا. (۱۳۹۵). مبانی فلسفی مکانیک کوانت، تهران: نشر نی.
- مک ماهون، دیوید ام. (۱۴۰۰). نظریه ی میدان کوانتومی به زبان ساده. سمنان: نشر دانشگاه سمنان.

ونت، الکساندر. (۱۳۹۸). ذهن کوانتومی و علوم اجتماعی. تهران: نشر علم
نوروزی، پژمان. (۱۳۹۸). تحلیل ذهنیت های نخبگان ایرانی، انگلیسی و آمریکایی در سال های ملی شدن صنعت نفت. پایان
نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه اصفهان.

- Krauthammer, Charles. (2015). The worst agreement in U.S. diplomatic history: https://www.washingtonpost.com/opinions/the-worst-agreement-in-us-diplomatic-history/2015/07/02/960e8cf2-20e8-11e5-aeb9-a411a84c9d55_story.html
- Gearan, A & Warrick, J. (2013). World powers reach nuclear deal with Iran to freeze its nuclear program: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/kerry-in-geneva-raising-hopes-for-historic-nuclear-deal-with-iran/2013/11/23/53e7bfe6-5430-11e3-9fe0-fd2ca728e67c_story.html
- Loveday, M & Naylor, H. (2015). Arab states fear nuclear deal will give Iran a bigger regional role: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/arab-states-fear-dangerous-iranian-nuclear-deal-will-shake-up-region/2015/07/14/96d68ff3-7fce-4bf5-9170-6bcc9dfe46aa_story.html
- Rezaian, J., Gearan, Anne. (2014). Why world powers agree to extend talks with Iran: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/world-powers-look-set-to-extend-talks-with-iran/2014/07/18/967c967a-0ec4-11e4-8341-b8072b1e7348_story.html
- Morello, Carol. (2014). On the verge of a breakthrough nuclear deal with Iran: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/ongoing-iran-nuclear-talks-approach-make-or-break-point/2015/07/12/8efb3f3e-c669-49ed-97ee-4802f0515a7f_story.html
- Morello, Carol. (2015). Iran talks continue into Tuesday: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/deal-in-iran-talks-imminent/2015/07/13/88656cfe-0952-44bd-9fe5-b71e7844bf43_story
- Ashford, E. (2014). Not-so-smart sanctions: the failure of western restrictions against Russia. *Foreign Affairs*, 95(1), 114-123.
- Cohen, E., Edelman, E., Takeyh, R. (2014). Time to get tough on Tehran: Iran policy after the deal. *Foreign Aff.*, 95, 64.
- Sanger, D. E., Broad, W. J. (2015). Iran's Nuclear Stockpile Grows, Complicating Negotiations. *The New York Times*, 1.
- Sanger, D. E., Gordon, M. R., Baker, P. (2014). A nuclear deal for US and Iran slips away again. *The New York Times*, A1.
- Sanger, D. E., Gordon, M. R. (2013). US and allies extend Iran nuclear talks by 7 months. *The New York Times*, November, 24.
- Selby, D. (1999). Global Education: Towards a Quantum Model of Environmental Education. *Canadian Journal of Environmental Education*, 4, 125-141.

